



مطالعات واژه‌گزینی

ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان، سال ۱۳۹۵، شماره اول، صفحه ۲۴۱-۲۴۹

معرفی مقالات واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی

مهنوش نشاط مبینی تهرانی و فرزانه سخایی (اعضای هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

مطالعه متون تخصصی درباره زبان فارسی و به زبان فارسی، برای علاقه‌مندان، جذاب و تفکربرانگیز و برای پژوهشگران این عرصه، پر از نکات آموزنده و تحقیقی است و بی‌شک، برای هر دو گروه، خواندنی. جست‌وجو در انبوه مقالاتی که در زمینه مسائل زبان فارسی نگاشته شده کاری زمان‌بر و گاه دشوار است؛ دسته‌بندی و معرفی و چکیده‌نویسی مقالات می‌تواند این مسیر را برای علاقه‌مندان سهل‌تر کند.

از این رو، بر آن شدیم با معرفی مقالاتی که به حوزه تخصصی واژه‌شناسی و واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی مربوط است، امکان شناخت این مقالات را فراهم کنیم تا علاقه‌مندان به محتوای آنها، برای مطالعه دقیق‌تر، متن کامل این مقالات را بخوانند. چکیده‌های نوشته‌شده از نوع چکیده راهنماست که مطالب مهم اثر در آن ذکر می‌شود. مقالاتی که معرفی می‌شوند از پژوهشی برگزیده شده‌اند که بخش نخست آن با عنوان

کتاب‌شناسی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی^۱ به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شده است.

سعی شده است که مقاله‌ها بر اساس سال انتشار معرفی شوند، تا روند تحول مباحث مربوط به واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی بهتر نشان داده شود. نخستین مقاله در سال ۱۲۹۰ منتشر شده است. بدیهی است که نظر نویسندگان مقالات معرفی شده الزاماً نظر نشریه مطالعات واژه‌گزینی نیست.

اشاره به این نکته لازم است که اطلاعات غیرمستند کتاب‌شناختی در داخل قلاب آمده است. کتبه‌نوشت‌ها نیز نشان‌دهنده این اطلاعات است: س: سال؛ ش: شماره.

۱. [تقی‌زاده، حسن] (۱۲۹۰)، «استفتاء از عموم علما و فضلالی ایران، ترجمه برای

کلمات فرنگی»، کاوه، س ۵، ش ۱۰ (پیاپی ۴۵)، ص ۸.

در این یادداشت کوتاه مسئله کمبود واژه‌های فارسی در برابر واژه‌های بیگانه مطرح می‌شود. نویسندگان نشریه کاوه نیز، مانند دیگر نویسندگان در حوزه‌های علمی، لازم است برای لغات خارجی «ترجمه مقبولی» عرضه کنند و این امری دشوار است.

معادل فارسی که برای «کلمات فرنگی» یافت می‌شود باید واجد این شرط‌ها باشد: عین مقصود را برساند؛ چندان متروک و غیرمفهوم نباشد؛ ساختگی و وضعی نباشد؛ مرکب از چندین کلمه نباشد؛ مأخوذ از کلمات جدیدالوضع ترکی و عربی نباشد.

در انتهای این یادداشت، تعدادی از اصطلاحات موردنظر فرنگی (فرانسوی) آمده و از «اهل دانش» برای معادل‌یابی آنها درخواست یاری شده است. در مواردی، توضیحات تکمیلی درباره معنای واژه‌ها، شاهد مثال کاربرد آنها و خوشه واژه نیز آمده است. برخی از این واژه‌ها عبارت‌اند از: genie, energie, diplomate, objectif, subjectif.

کلیدواژه‌ها: واژه‌گزینی، ضوابط واژه‌گزینی، زبان فرانسوی، نظرخواهی

(۱) فرزانه سخایی (۱۳۸۲)، کتاب‌شناسی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، دفتر اول، تهران: فرهنگستان (نشر داخلی).

۲. [تقی‌زاده، حسن] (۱۲۹۰)، «جواب استفتاء»، کاوه، دوره جدید، س ۲، ش ۲،

ص ۳-۵.

در پاسخ به استفتاء انجام‌شده، دو نامه به نشریه کاوه رسید.

(۱) نامه قنسول (کنسول) آلمان، آقای لیتن؛ ایشان نوشته‌اند که آلمانی‌ها نیز صدسال است درگیر ترجمه کلمات هستند و پیشنهاد کرده‌اند مقدمه یکی از فرهنگ‌های معتبر آلمانی، نوشته اوتو سارازین، منتشرشده در سال ۱۹۱۸، به فارسی ترجمه شود. به عقیده سارازین نمی‌توان انتظار داشت که در برابر هر کلمه بیگانه، یک کلمه آلمانی انتخاب شود. آقای لیتن، برای مثال، ۳۴ معادل برای کلمه energie ذکر کرده‌اند که هریک را می‌توان بنابه‌مورد در آلمانی به کار برد.

(۲) نامه آقای محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)؛ ایشان هم معتقدند نمی‌توان در برابر هر لفظ فرنگی یک لفظ فارسی استفاده کرد، و این امر در زبان‌های دیگر نیز صادق است. برای کلماتی چون ماه و خورشید انتظار داریم که هر قومی کلمه‌ای را به کار برد، اما مثلاً فرانسویان در برابر قلبان و کرسی و قرمه‌سبزی چه الفاظی به کار برند؟ مجبورند یا با مسامحه لفظی انتخاب کنند که دقیقاً با معنی هماهنگ نیست، یا آنکه همان لفظ فارسی را به کار برند؛ مثل کاری که با دو واژه بازار و کاروانسرا کرده‌اند. بسیار اتفاق می‌افتد که معانی الفاظ با یکدیگر متفاوت است، مثلاً نان فارسی در جنس و شکل و کیفیت با pain فرانسوی، که آن هم نان است، فرق دارد. اما نمی‌توان به این دلیل از انتخاب کلمه فارسی سر باز زد، زیرا فقدان کلمه فارسی «در بعضی موارد، خاصه در باب اصطلاحات علمی نقص است». پس چه باید کرد؟

انتخاب کلمه فارسی برای الفاظی که دالّ بر مدلول مادی هستند چندان دشوار نیست. از همان کلمات موجود در فارسی، یا با کمی تصرف در آنها کلمه‌ای اختیار می‌کنیم— و این کاری است که صاحبان مشاغل همواره انجام می‌دهند— یا اگر ممکن نشد، همان لفظ خارجی را به کار می‌بریم، مثل ماشین و تلگراف و تلفون که به کار می‌بریم و ضرری ندارد. اما ترجمه الفاظی که مدلول آنها غیرمادی است کاری سخت

است؛ زیرا نه تنها درک اقوام مختلف با یکدیگر فرق دارد، افراد یک قوم نیز ذوق و سلیقه و مشاعر متفاوتی دارند. نباید انتظار داشت که به جای هر لفظ فرنگی فقط یک کلمه فارسی به کار بریم.

درباره genie پرسیده و تذکر داده بودید که معانی متعدد دارد. گاهی می‌توانیم آن را «داهیه» معنی کنیم «و شاید در موقع ضرورت بهتر آن باشد که سیاق کلام را تغییر» دهیم. لفظ دیگر intéressant بود. «محال است» بتوانیم فقط با یک لفظ فارسی آن را ترجمه کنیم. «ناچار باید جستجو کرد و در هر مورد دید ایرانی‌ها در نظیر آن مورد چه می‌گویند»، مثلاً در جملات مختلف به معنی «بامزه»، «دلچسب»، «دیدنی»، «تماشایی» و «قابل توجه» به کاررفته است و البته در مواردی هم باید سیاق کلام را عوض کرد.

«حاصل کلام» اینکه نمی‌توان فقط یک راه انتخاب کرد؛ حتی‌الامکان باید تلاش کنیم لفظی کاملاً مطابق با کلمه خارجی بیابیم؛ اگر نشد، لفظی اختیار کنیم که شباهت بسیار با کلمه خارجی داشته باشد؛ اگر لفظ مفرد نشد، از ترکیب استفاده می‌کنیم؛ صفت و موصوف را به جمله خبری ترجمه می‌کنیم یا سیاق کلام را تغییر می‌دهیم «و مخصوصاً ملتفت باشیم که یک لفظ را در همه مورد یک نوع ترجمه نکنیم». این مسئله خاص زبان فارسی نیست و تمام زبان‌های دنیا به این تدابیر متوسل می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: نظرخواهی، زبان آلمانی، زبان فرانسوی، واژه‌گزینی، شیوه‌های واژه‌گزینی

۳. ذره، ا. [= ابوالقاسم] (۱۳۰۴)، «جامعه نو زبان نو لازم دارد»، فرهنگ، دوره ۲، ش ۴، ص ۱۲۳.

با پیشرفت علم و صنعت، تغییر در زبان اجتناب‌ناپذیر است و در واقع، این امر از علائم توسعه است. برخی افراد، برای نشان دادن غنای زبان عربی، تعدد واژه‌های آن (مثلاً نود واژه عربی موجود برای شمشیر) را گواه می‌آورند؛ اما زبان عربی در مصر، که کشوری است پیشرفته، پر از لغات «نو» و جدیدالاختراع عربی... و بلکه لغات اخذشده از خارجی است. این کشور پایه‌پای تحولات دنیای غرب پیش رفته و اصولاً دیگر نیازی

به برخی اصطلاحات قدیمی که عهد آنها به سر آمده است، ندارد. اتفاقی که احتمالاً، با تجدد اعراب، برای زبان عربی در عربستان نیز رخ می‌دهد.

ناآشنایی «جوانان محصل مدارس جدید» با کلمات عهد ابوعلی سینا و فردوسی عجیب نیست و خاصیت تحول زبان است؛ همان‌گونه که این بزرگان با واژه‌های جدید (مانند اتوموبیل، تفنگ، عکس متحرک یا سینماتوگراف، و میزان‌الحراره) آشنا نبودند و معنی آنها را نمی‌دانستند.

در عهد ناصری، با توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با اروپا، طبقه بورژوا در ایران به وجود آمد. تأسیس مدارس جدید، ورود چاپخانه‌های تازه به ایران، اتصال به بازار اروپا و تغییر سبک ادارات موجب شد، از نیمه دوم قرن نوزدهم، بسیاری از کلمات و اصطلاحات جدید به زبان فارسی وارد شود. انقلاب ادبی ایران نیز در آن دوران و بر اثر همین تحولات آغاز شد، اما در ابتدای راه خود است. در حیطه نظم، شعر فارسی هنوز از بحرهای دوره جاهلیت عرب دوری نجسته است. در دوران سرمایه‌داری و در عصر ماشین و حرکت، دلیلی برای سکون و بی‌حرکتی و درویش‌مسلكی‌ای که ادبیات آینه آن بوده، نیست. در حیطه نثر نیز، با توجه به راه‌اندازی روزنامه‌ها و مجلات تازه، روزبه‌روز و ساعت‌به‌ساعت، لغات جدید وارد زبان می‌شود و آن را متحول می‌کند. نگرانی درباره ورود کلمات جدید بیگانه از نگرانی‌های مرتجعین علمی و ادبی و مخالف تجدد است و این امر خطری برای زبان فارسی شمرده نمی‌شود. کاربرد کلمات قدیمی برای ابزار جدید نیز نادرست است. پیش‌بینی می‌شود که دستیابی به زبان بین‌المللی بشر را از مشکل یادگیری زبان‌های مختلف رهایی بخشد.

کلیدواژه‌ها: تحول زبان، واژه‌های قدیمی، علم و فناوری، شعر فارسی، زبان بین‌المللی

۴. کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۰۵)، «انجمن اصطلاحات»، *ایرانشهر*، س ۴، ش ۱، ص ۱۶-۱۹.

ورود بدون «تذکره مرور» واژه‌های بیگانه به زبان فارسی نگران‌کننده است. بر اثر ورود «ماشین‌آلات و ادوات طبی و امتعه تجارتي» و با ترجمه مطالب در مطبوعات ایران، واژه‌های

بیگانه وارد زبان فارسی شده است. این امر به‌خودی‌خود مضر نیست، اما واردکنندگان این واژه‌ها متخصص زبان نیستند و نیز این واژه‌ها از یک زبان وارد زبان فارسی نمی‌شود؛ در نتیجه، چندین واژه بیگانه برای یک مفهوم رایج می‌شود. شاهد این ادعا اصطلاح «تراموا» است که در تهران بدین نام خوانده می‌شود، اما در تبریز «گونگا» و در جنوب کشور «ترام» نامیده می‌شود.

تشکیل «انجمن اصطلاحات» زیر نظر وزارت معارف و با حضور افراد فاضل و آشنا به زبان‌های خارجی راه‌حل مناسبی است تا «مهم‌ترین و لازم‌ترین لغات لازمه فنی و علمی و فلسفی را از زبان‌های اروپایی ترجمه» کنند. ادامه روند موجود می‌تواند مثلاً به رواج اصطلاحات آلمانی، به دلیل تأسیس مدرسه صنعتی آلمان در تهران، بینجامد. کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی زبان، واژه‌گزینی، ضرورت واژه‌گزینی، مضرات وام‌گیری، اشتراک لفظ، زبان آلمانی

۵. وحید دستگردی، حسن (۱۳۱۰)، «خطر زبان»، *ارمغان*، س ۱۲، ش ۸، ص ۵۱۳-۵۱۹. در طول تاریخ، زبان فارسی با چهار «خطر» روبه‌رو شده است: (۱) با غلبه اسکندر بر دارا کتاب‌های زیادی در ایران به آتش کشیده شد، اما او به هدف شوم خود دست نیافت و، با تلاش اردشیر بابکان، «زبان و آیین و کشور» نجات یافت؛ (۲) به دنبال غلبه اعراب بر ایران، خط اوستایی و پهلوی از بین رفت، اما به همت ابومسلم اصفهانی انتقال قدرت صورت گرفت و سلطه زبان فارسی بازگشت؛ ضمن آنکه اختلاط با عربی، زبان فارسی را بیشتر «مستعد شعر و ادب» کرد؛ (۳) حمله مغول به ایران و باز در آتش سوختن هزاران کتاب فارسی؛ در این دوران، شعر و ادب «از ترقی بازماند»، اما در «ارکان» زبان فارسی خللی ایجاد نشد؛ (۴) شیفتگی ایرانیان به صنایع اروپایی؛ در مواجهه با دنیای نو، ایرانیان چنان از خود بیگانه شدند که هنر و صنعت خود را ناچیز شمردند و با راه دادن به صنعت و دانش اروپایی، مسیر را برای ورود کلمات بیگانه باز کردند. این خطر اخیر از تمام خطرهای پیش‌گفته بزرگ‌تر است، زیرا در گذشته، بزرگانی چون

فردوسی و رودکی و نظامی به دفاع از زبان فارسی پرداختند، اما اکنون مدافعی نیست. ملتی از میان نمی‌رود که زبان خود را حفظ می‌کند.

ماهنامه *ارمغان* از فضلا و دانشمندان انتظار دارد که برای درمان این درد، با نگرارش مقاله در این باب پیشنهادهای خود را مطرح کنند تا به بهترین آنها یک دوره ده‌ساله مجله به ارمغان داده شود.

کلیدواژه‌ها: برخورد زبان‌ها، وام‌گیری، کتاب‌سوزی، گسترش زبان، زبان ترکی، زبان عربی، زبان فارسی، غرب‌زدگی

۶. جمالی، صفات‌الله (۱۳۱۰)، «مسابقه خطر زبان»، *ارمغان*، س ۱۲، ش ۱۰، ص ۶۷۴-۶۷۷. در پاسخ به فراخوان مدیر مسئول ماهنامه *ارمغان*، این راه‌حل‌ها برای مواجهه با خطر گسترش واژه‌های بیگانه، که در مطبوعات و ادارات رایج شده، پیشنهاد می‌شود: (۱) تدوین فرهنگ‌های لغت؛ (۲) تألیف کتاب به زبان فارسی؛ (۳) آموزش علوم به زبان فارسی؛ (۴) تشکیل مجمع «حفظ زبان و ملیت» برای ساخت واژه‌های لازم؛ (۵) غدغن کردن کاربرد الفاظ خارجی در وزارتخانه‌ها و مطبوعات و مراکز رسمی. کلیدواژه‌ها: زبان معیار، زبان و هویت ملی، وام‌گیری، برنامه‌ریزی زبان

۷. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۱۲)، «یک درس لغت»، *مهر*، س ۱، ش ۴، ص ۲۵۱-۲۶۳. در آغاز به جنبه‌هایی از ساخت واژه پرداخته می‌شود. کلمات از دو جزء تشکیل شده‌اند: اجزای مبین معنی و اجزای رابط. اجزای رابط سه دسته هستند و چون کلمات از اجزای رابط و مبین معنی (که در اصطلاح اشتقاق، آن را «ریشه» می‌نامند) ترکیب شده‌اند، معنی «اصلی یا حقیقی» آنها را می‌توان از تحلیل اجزای آنها به دست آورد. اما «کمتر اتفاق می‌افتد که لغتی... همه‌وقت مبین آن معنی باشد که در ابتدا برای آن وضع شده» است. برای مشخص کردن ارتباط اجزای رابط با ریشه، به مصدر ساختن و «طایفه کلمات» آن پرداخته می‌شود: ساختن در معنای حقیقی یعنی «کردن». ساختن هشت معنی دارد و

چندین مشتق، مانند ساختمان، ساخته، سازگار، سازگر. بهتر است، از راه قیاس، لغاتی ساخته نشود که هنوز مفهوم آنها روشن نیست و در وضع لغات جدید باید «کمال احتیاط و توجه به قواعد لغوی و صرف و نحو و معانی و بیان» رعایت شود. مثلاً «نمایشگاه» در برابر اکسپوزسیون مناسب است، اما «چپانده و طپانده» به جای پیستون، دور از ذهن و زننده. **کلیدواژه‌ها:** صرف، نحو، مشتق فعلی، مشتق اسمی، مصدر، ریشه، قیاس

۸. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۱۲)، «فارسی ساختگی»، مهر، س ۱، ش ۶، ص ۴۳۵-۴۴۷. زبان دو دسته است: «زبان متعارفی» و «زبان ادبی». زبان متعارفی زبانی است که عموم مردم به آن تکلم می‌کنند و زبان ادبی هم زبان «اهل سواد و شعرا و نویسندگان». فارسی ساختگی نه از نوع متعارفی است و نه ادبی. «پارسی سره» یکی از انواع فارسی ساختگی است. چون کلمات فارسی سره به گوش ناآشناست و معنی آن هم دیرفهم، هدف اصلی از کاربرد زبان، که وسیله انتقال مقصود است، برآورده نمی‌شود. نه باید برای احیای فارسی قدیم تلاش کرد و نه برای رواج واژه‌های فارسی سره. زبان تغییرپذیر است و نمی‌توان مرده را از نو زنده کرد. علاوه بر این، نمی‌توان کلمات فارسی سره را در زبان به‌دقت شناخت و بسیاری واژه‌هایی که فارسی سره پنداشته می‌شوند، ولی ریشه غیرفارسی دارند. آیا وجود واژه‌های عربی در فارسی خطرناک است؟ «اگر عربی چندین ساعت مکالمه فارسی‌زبانان را گوش دهد، حتی معنی یک کلمه آن را هم در نمی‌یابد». واژه‌های عربی در فارسی سه نوع هستند: لغاتی که گروهی از «منشیان متصنع در انشاء داخل» کرده‌اند؛ کلماتی که مفهوم تازه‌ای را وارد فارسی کرده‌اند، مثل اکثر «اصطلاحات مذهبی و اداری و علمی و ادبی و لوازم تمدن درخشان اسلامی»؛ و آن لغات عربی که به دلیل نبود فرهنگ مدون و کتاب‌های ادبی فارسی، بیش از واژه‌های فارسی در دسترس شعرا و نویسندگان بوده‌اند. در مورد مسئله درست و غلط در زبان نیز، آنچه مردم بیسندند و معمول کنند، حتی اگر متخصصان صرف و نحو نپذیرند، رایج می‌شود. از جمله آنکه کاربرد نمودن به معنی «کردن» بر خلاف نظر ادبای زمان اشتباه نیست.

آنچه خطرناک است کلمات و «تعبیرات خارجی» است؛ و افسوس که فرهنگ لغت مدون معتبری در فارسی نیست، اما «آفتاب تابان زبان فصیح سعدی و حافظ چندان زمانی به این شب‌پرگان زشت‌آثار که از ظلمت موقتی استفاده کرده و مجال جلوه و بروز یافته‌اند، امان حیات نخواهد داد...».

کلیدواژه‌ها: سره‌نویسی، گونه‌های زبانی، فارسی تهرانی، تحول زبان، وام‌گیری، کهنه‌گرایی زبانی